



هیچ کسی پاس نگهدار نیست

در روزگاری که پهلوی اول به فعالان برتر حوزه فرهنگ و هنر نشان لیاقت اهدا می‌کرد؛ پروین در اعتراض به وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه، از دریافت این نشان، سر باز زد و نشان داد که همان گونه که در شعر، ستم و ستمکار را نکوهش می‌کند، در زندگی اجتماعی خود نیز عمیقاً به این مسائل پایبند است.

در روزگاری که پهلوی اول به فعالان برتر حوزه فرهنگ و هنر نشان لیاقت اهدا می‌کرد؛ پروین در اعتراض به وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه، از دریافت این نشان، سر باز زد و نشان داد که همان گونه که در شعر، ستم و ستمکار را نکوهش می‌کند، در زندگی اجتماعی خود نیز عمیقاً به این مسائل پایبند است.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، این روزهای آخر اسفند، صد و دوازدهمین سالگرد تولد پروین اعتصامی است. «بانوی شعر فارسی» بهترین لقبی است که به همشهری دانا و فرهیخته ما داده اند. این عنوان، اگرچه بسیاری را به ولوله می‌اندازد و نگران شان می‌کند، برازنده شکوه اندیشه، زیبایی شعر و استواری شخصیت او است.

دکتر شفیعی کدکنی، در کتاب «با چراغ و آینه» او را «دختر معصوم ادبیات فارسی و چهره ای ممتاز و متمایز» خوانده است. چرا ممتاز و متمایز؟ پروین در روزگاری شاعری کرده است که هنوز پیراهن مردانه بر تن ادبیات فارسی بود و زنان نمی‌توانستند یا جرات و جسارتش را نداشتند که هم قامت و هم کسوت مردان، در مجامع علمی و ادبی حضور داشته باشند.

«معجزه پروین» چیست؟

اما پروین به واسطه پدری روشن بین و اندیشمند، توانست حضور موثر و درخشان خود را در جمع های علمی و ادبی اثبات کند. این تنها به لطف حمایت های پدر حاصل نشد بلکه استعداد خارق العاده پروین در شاعری در کنار دانش و اندیشه او توانست چهره ای به خصوص از زن ایرانی عرضه کند که می‌اندیشد و سراپد. اهمیت و قدر پروین اعتصامی تنها در همین نکات خلاصه نمی‌شود.

دیوان پروین اعتصامی، از محبوب ترین مجموعه های ادب فارسی است. سال ها است که این کتاب تجدیدچاپ می‌شود و هنوز طبع ایرانی، به دنبال کلام پروین است. شفیعی کدکنی از این اتفاق با عنوان «معجزه پروین» یاد می‌کند. او بسیاری از شاعران هم روزگار پروین را دنبال روی کارهای او می‌داند و حتی نیما یوشیج را نیز در بسیاری از آثارش تابع سبک پروین می‌شمارد. این استاد شعر فارسی در نهایت با یادآوری مقبولیت پروین در بین عوام و خواص می‌گوید: «روح جامعه در انتخاب نهایی خویش، آن هم در چندین نسل پی در پی خطا نمی‌کند.» او زنی بود جامع الاطراف که برای شناختش هنوز نخستین گام‌ها برداشته نشده است.

«پروین» مولانایی با زبان حافظ و سعدی

هوشنگ ابتهاج (سایه) در کتاب «پیر پرنیان اندیش» درباره پروین می‌گوید: «پروین مولاناست که با زبان حافظ و سعدی شعر می‌گوید.» سایه، مولانا و سعدی و حافظ را خوب می‌شناسد کسی نیست که به این راحتی، از اعتبار این سه قله بزرگ شعر فارسی، خرج کند. او می‌داند که وقتی پروین را به چنین نام‌هایی گره می‌زند او را تا چه جایگاهی بالا می‌برد. سایه بهترین تعبیر و تفسیر را از شعر پروین اعتصامی داشته است. پروین در اشعارش علاوه بر نگاه های اجتماعی و سیاسی که در جای خود به آنها خواهیم پرداخت، عارفانگی خاصی نیز دارد اما به واسطه زبان بی‌نظیر و نکته‌سنجی خود توانسته «دقیقه های معرفتی» را در قالب داستان‌هایی تمثیلی عرضه کند. اما نباید فراموش کرد که اگر پروین این نکته‌های معرفتی را در اشعاری چون «مادر موسی» جا داده است، از سوی دیگر خرد و اندیشه را هرگز از یاد نبرده و همواره شعر خود را در خدمت خرد، اخلاق و شرافت انسان قرار داده است.

«پروین» و دست رد به سینه پهلوی

از همه این نکات که بگذریم پروین شاید از نخستین زنانی است که نسبت به وضعیت سیاسی و اجتماعی روزگار خود واکنش نشان داد. در روزگاری که پهلوی اول به فعالان برتر حوزه فرهنگ و هنر نشان لیاقت اهدا می کرد؛ پروین در اعتراض به وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه، از دریافت این نشان، سر باز زد و نشان داد که همان گونه که در شعر، ستم و ستمکار را نکوهش می کند، در زندگی اجتماعی خود نیز عمیقاً به این مسائل پایبند است. همین سرپیچی از فرمان رضاخان باعث شد که دولت، بعد از مرگ شاعره جوان و ناکام ادبیات فارسی، اجازه برگزاری مراسم یادبود ندهد و این گونه خشم خود را از عدم همراهی پروین با کارزار حکومت، ابراز کند.

جای خالی پروین در دانشگاه تبریز

سال ها از مرگ پُر درد و دریغ این چهره درخشان ادبیات فارسی می گذرد اما اگر نگاهی به فهرست کارهایی که به یاد پروین صورت گرفته بیاندازیم نتیجه بسیار عجیب و تاسف آور خواهد بود.

رسم مالوف در مورد تکریم بزرگان، یادکرد تولد و مرگ ایشان است. پروین هم از رسم دیرین، جدا نیست. اما شاید بتوان این نکته را از بداقبالی های پروین و ما شمرد که تولد او مصادف با روزهای پرشتاب آخر سال و مرگ او مقارن با روزهای راکد اول سال است. نکته ای که مثل کافوری، بر سستی و اهمال نهادهای فرهنگی افزوده و متولیان امر را از کار اساسی در مورد «بانوی شعر فارسی» معذور کرده است.

اما آیا برای بزرگداشت و شناساندن چهره ای به اهمیت پروین باید منتظر سالگرد تولد و مرگ او باشیم؟ مثلاً بهتر نیست که دانشگاه تبریز نخستین گام را در شناساندن چهره حقیقی پروین اعتصامی به دانشجویان ادبیات بردارد و درسی –حتی اختیاری- را به نام باشکوه این شاعر کم نظیر اختصاص بدهد؟ (این ایده، نیازی به بخشنامه وزارت علوم ندارد و دانشگاه های درجه یک می توانند، چنین سرفصل هایی را عملی کنند.)

جشنواره پروین اعتصامی؛ صرفاً جهت خالی نماندن عریضه

از دانشگاه تبریز که بگذریم اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و تمام نهادهای وابسته به آن به عنوان مسئولان اصلی فرهنگ و هنر بیشترین مسئولیت را بر عهده دارند. امسال بعد از سال های زیادی بالاخره پوستری با عنوان «جشنواره بین المللی پروین اعتصامی» رونمایی شد. اما در همان ابتدای کار شتاب زدگی و بی برنامهگی جشنواره خود را نشان داد. هرکس که یک بار دست به تالیف یک مقاله علمی زده باشد می داند که برای مطالعات مقدماتی یک مقاله قابل قبول به چندین ماه زمان نیاز است. اما پوستر جشنواره مهلتی در حدود 25 روز برای ارسال مقالات در نظر گرفته بود که با تمدید زمان ارسال به 30 روز ارتقا یافت. به نظر می رسد برنامه ریزان این جشنواره هرگز مقاله ای علمی و قابل قبول تالیف نکرده اند که توقع دارند محققان و صاحبان نظر و اندیشه در چنین زمان کمی درباره پروین اعتصامی مقالات علمی بنویسند. البته که می شد برای انتشار فراخوان کمی زودتر اقدام کرد یا شاید اصرار عجیب مسئولان برای رفع تکلیف و بستن پرونده پروین در 25 اسفند باعث چنین بی برنامهگی هایی شده است.

به هر روی جایگاه و شان بانوی شعر پارسی بسیار بالاتر از چنین برنامه های آنی و لحظه ای است.

هیچ کسی پاس نگهدار نیست

پایان این یادداشت چه نیکو که چند بیت از پروین عزیز شعر فارسی باشد. همان طور که اشاره شد، پروین، پس از آن که مدال لیاقت خاندان پهلوی را رد کرد، قصیده ای با عنوان «صاعقه ما ستم اغنیاست» سرود. تیتیر یادداشت نیز از همین قصیده انتخاب شده است. ایباتی از این شعر درخشان را می خوانیم. روحش شاد و یادش مانا.

برزگری پند به فرزند داد

کای پسر، این پیشه پس از من تو راست

مدت ما جمله به محنت گذشت

نوبت خون خوردن و رنج شماس

تجربه می بایدت اول، نه کار

صاعقه در موسم خرمن، بلاست

گفت چنین، کای پدر نیک رای

صاعقه ما ستم اغنیاست

پیشه آنان، همه آرام و خواب

قسمت ما، درد و غم و ابتلاست

دولت و آسایش و اقبال و جاه

گر حق آنهاست، حق ما کجاست

قوت، بخوناب جگر میخوریم

روزی ما، در دهن اژدهاست

کار ضعیفان ز چه بی رونق است

خون فقیران ز چه رو، بی بهاست

عدل، چه افتاد که منسوخ شد

رحمت و انصاف، چرا کیمیاست

پیر جهان دیده بخندید کاین

قصه زور است، نه کار قضاست

هیچکسی پاس نگهدار نیست

این لغت از دفتر امکان جداست

نیض تهی دست نگیرد طبیب

درد فقیر، ای پسرک، بی دواست

ما فقرا، از همه بیگانه ایم

مرد غنی، با همه کس آشناست

تیره دلان را چه غم از تیرگیست

بی خبران را چه خبر از خداست

نگارنده: لیلا حسین نیا